کتاب «مکتب در فرایند تکامل» با این جمله معرفی شده است: «نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین» اما پس از مقدمه‌ای در ۱۷ صفحه در آخر پیشگفتار دو صفحه‌ای آمده است: «در این دوره (غیبت صغری) که نزدیک به یک قرن به طول انجامید، به تدریج مکتب مقدس تشیع ... تکامل یافت».

این در حالی است که در صفحه ۳۱ گوید: «وقتی انقلاب عباسی در سال ۱۳۲ هجری بساط یک قرن حکومت اموی را در هم نور دید، تشیع به صورت یک نظام کامل و مستقل سیاسی فقهی و کلامی در صحنه جامعه اسلامی حضور یافته بود» و در صفحه ۱۰۶ از نظریه ولایت تکوینی از ابن عربی صوفی در قرن ۶ و سید حیدر آملی، و در قرن ۱۱ هجری حکمت متعالیه ملاصدرا را متعرض و از محدودهٔ سه قرن گذشته است.

و در صفحه ۳۹ به عنوان یکی از نمونه‌های تکاملی تشیع، عصمت را مطرح می‌کند و می‌گوید: در همین دوره به وسیله هشام بن الحکم نظریه عصمت ائمه پیشنهاد شد. و به عنوان منبع به مادهٔ عصمت در دائرة المعارف اسلام به زبان انگلیسی ارجاع می‌دهد. که با دلایل عصمت در متون دینی همخوانی ندارد.

و گویا عقیده بدا را نیز در اصل به معنی باطل بدای در تصمیم الهی از کیسانیه شمرده شده است که بعداً توسط متکلمان شیعه به شکل صحیح تکامل یافته است؛ و این را نیز به مادلونگ انگلیسی در دائرة المعارف اسلامی انگلیسی ارجاع داده است. در حالی که در روایات ما حتی از امیرالمؤمنین(ع) تفسیر لوح محو و اثبات به همان معنی بدا آمده است.

و در صفحه ۴۴ به عنوان یکی دیگر از نمونه‌های تکاملی تشیع، گرفتن خمس را مطرح می‌کند و می‌گوید: «دریافت این مالیات به عنوان فریضه مالی ظاهراً از سال ۲۲۰ هجری آغاز شد.» در صورتی که پرداخت و دریافت خمس در روایات دوران امام صادق(ع) سوابق متعددی دارد تا آنجا که حتی در اخبار خلفای عباسی دوران امام کاظم(ع) نسبت دریافت أخماس به آن حصمات دیده می‌شود.

در بخش دوم کتاب تکامل مفهوم امامت در بُعد علمی و معنوی عنوان شده و غلو و تقصیر و راه میانهٔ میان این دو تشریح شده است که تکاملی در آن نیست بل که ادامه و استمرار است، در پاورقی ۱ صفحه ۱۰۴، از دیباچه‌هایی که برخی فضلای متأخر نجف اشرف بر چاپ کتابهایی نوشته‌اند در تنزیه غلاة و مفوضه تا سرحد امکان و سرزنش علمای متقدم شیعه و اصحاب کتب رجال آنها ... گله کرده است. پس تکامل در چه جهت؟!

و از صفحه ۱۱۳ به عنوان: نقش راویان حدیث در بحران رهبری، برمی‌آید که امامیون تکامل یافتند نه امامت!.

و از بخش چهارم در صفحه ۳۰۱ به عنوان مناظرات کلامی و نقش متکلمان، برمی‌آید که نقش آنان در دفاع از مذهب بوده است نه در تکامل خود مذهب!.

یوسفی غروی

آسیب‌شناسی پژوهش‌های حدیثی، موضوعی مقبول و پسندیده است که اعتماد به تحقیق را افزون کرده و از انحراف آن جلوگیری می‌کند.

پی‌جویی استنتاج‌های موجود در کتاب «**مکتب در فرایند تکامل**»، برخی از آسیب‌های احتمالی را در شیوه پژوهش نمایان می‌کند. اشکالات مبنایی و روشی در این مجموعه را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. تشکیک در اعتبار کتب روایی موجود و امکان استناد
۲. دوگانگی در مواجهه با متون روایی و مصادر حدیثی
۳. تحمیل پیش‌فرض‌ها و تمایلات نویسنده بر متون و مصادر
۴. نقل غیر مستند و یا گزارش ناقص برای توجیه ادعا

وجود این آسیب‌ها، پژوهش در حوزه حدیثی را با چالش جدی روبرو می‌کند و اتقان نتیجه‌گیری را مانع می‌شود.

این آسیب‌ها در موضوع احادیث دوازده امام کاملاً نمایان است.

مؤلف ادعا کرده است که شیعیان انتظار داشتند که سلسلهٔ امامان تا پایان جهان ادامه داشته باشد. و تنها پس از غیبت صغری توسط مرحوم نعمانی روایات دوازده امام مورد توجه قرار گرفته است.

ادعای ایشان درباره عدم وجود این روایات در مصادر کهن همراه با ادعای تحریف در برخی از کتب است. این ادعا به هیچ عنوان قابل اثبات و پذیرش نیست، زیرا:

۱. از مجموع هزاران مصدر حدیثی کهن تنها ۹ مصدر اکنون در اختیار ماست.
۲. بعضی از این مصادر به شکل ناقص موجود است که ادعای عدم وجود روایت در اصل کتاب را اثبات نمی‌کند.
۳. چند کتاب کهن – مثل تفسیر قمی – بصائر الدرجات و کتاب سلیم که احادیث دوازده امام را دارا هستند از جانب مؤلف به عنوان کتاب محرف معرفی شده‌اند.
۴. کتاب کافی که مهم‌ترین مصدر حدیثی شیعه است و در دوران غیبت صغری تألیف شده است. روایات دوازده امام را به صراحت آورده است. این کتاب روایاتی را از برقی و علی بن ابراهیم نقل کرده و با اسناد صحیح و متقن دوازده امام را اثبات کرده است. روایت کتاب سلیم را نیز با ۲۷ طریق که در بعضی از آنها ابن ابی‌عمیر و حماد بن عیسی وجود دارند، نقل کرده است.
۵. افزون بر این باب، کلینی به صراحت نصوص اختصاصی مربوط به دوازده امام و تاریخ اختصاصی چهارده معصوم را آورده است که حاکی از شهرت این باور در دوران غیبت صغری است.

سید کاظم طباطبائی